

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۸، ویژه علوم اجتماعی

تأملی جامعه‌شناختی بر عوامل گرایش به طلاق در دهه اخیر ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۲۵

تاریخ تأیید: ۹۸/۰۳/۲۵

صادق مولایی*

چکیده

طبق احادیث پدیده طلاق منفورترین حلال خداوند است. براساس آمار کشور و میزان رشد سالانه طلاق، این پدیده به معضل اساسی و خطری جدی برای بنیان خانواده تبدیل شده است. با رشد فزاینده طلاق از اواسط دهه ۸۰ شمسی، نظر کارشناسان علوم اجتماعی به سوی این مسئله اجتماعی و فرهنگی جلب شد؛ لذا به منظور شناسایی و تبیین علل آن، صدها تحقیقات پژوهشی، پایان نامه‌های دانشجویی و مقالات علمی به بررسی این موضوع اختصاص یافت. این پژوهش‌ها حالت جزیره‌ای در کل کشور دارند. با روش فراتحلیل به منظور اولویت بندی علل در جهت سیاست‌گذاری فرهنگی صحیح و تاثیرگذار، پس از بررسی شرایط ۱۰۰ مقاله علمی - پژوهشی و ۵۰ پایان نامه علمی معتبر و برجسته، ۵۵ پژوهش برجسته بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ جهت بررسی علل طلاق در ایران انتخاب شد. نتایج فراتحلیل به روی ۲۶۰ آزمون استخراجی از این منابع نشان داد میانگین اندازه اثر علل فردی ($R=0/398$)، علل ساختاری ($R=0/382$)، علل انتخابی ($R=0/353$)، علل وارده از سوی خانواده و دوستان ($R=0/358$)، علل اجتماعی ($R=0/393$) و علل ارتباطی میان زوجین ($R=0/438$) است که دارای بیشترین میانگین اندازه اثر است. طبق جدول کوهن این اندازه اثر نزدیک به بزرگ است. در پایان با استفاده از نظریه «رشد چهار بُعدی تأثیرات» مدل خروجی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و رابطه میان علل مختلف تبیین گشته است.

واژه‌های کلیدی: علل طلاق، فراتحلیل، سیاست‌گذاری، خانواده، علل ارتباطی، نظریه رشد چهار بُعدی تأثیرات.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت راهبردی فرهنگ، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.

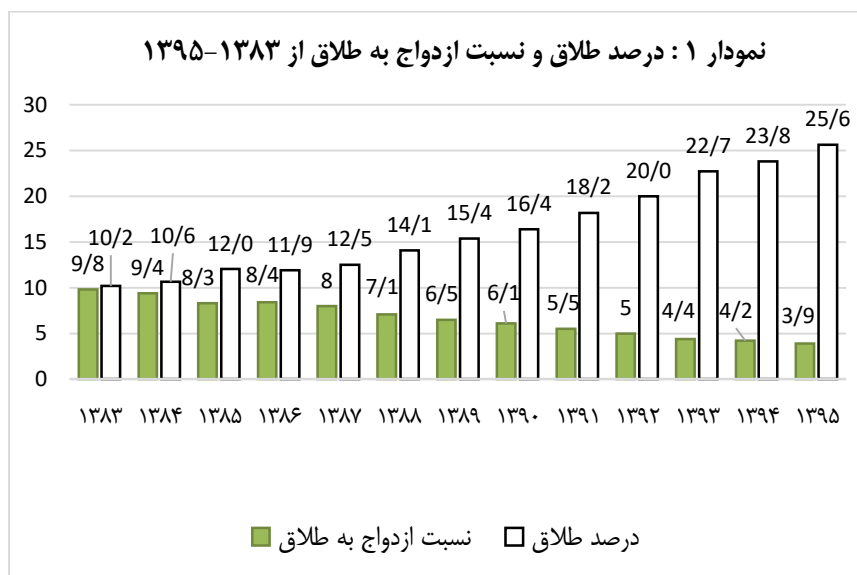
مقدمه

خانواده یکی از قدیم‌ترین و اساسی‌ترین نهادهای اجتماعی تأثیرگذار در عرصه حیات اجتماعی انسان است؛ که در تعادل روانی، عاطفی و اجتماعی انسان موثر بوده و کانون اصلی علاقه، محبت و همدلی برای او به شمار می‌رود (ساروخانی، ۱۳۸۵ به نقل از تقی پور، ابراهیم پور، راد، ۱۳۹۱). این نهاد اساساً یک کانون تسکین دهنده، التیام بخش و شفادهنده است که در آن فشارهای روانی وارد شده بر اعضا کم شده و راه رشد و شکوفایی آنها هموار می‌شود. (گلدنبرگ، ۱۳۸۲ به نقل از هنریان، یونسی، ۱۳۹۰)

البته روابط موجود در خانواده، مانند دیگر روابط موجود در جامعه دارای جنبه‌های مثبت و منفی است. بنابراین با رشد جنبه‌های منفی در این روابط، خانواده به کانون درگیری، کشمکش و تضاد تبدیل می‌شود. در این لحظه تفاهم که سنگ زیرین بنیان خانواده است ویران می‌شود. (رضضانی، ۱۳۹۰) به بیانی دیگر وقتی کارکردهای خانواده از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب می‌بیند، اعضای آن به تدریج احساس رضایت مندیشان را از دست می‌دهند که این امر ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی و در نهایت به یک واقعه حقوقی ختم می‌شود که طلاق نام دارد. (آماتو، ۱۳۸۰ به نقل از عابدی نیا، نقی زاده ۱۳۹۴)

افزایش چشم‌گیر مباحث مربوط به مشکلات خانوادگی در جراید و رسانه‌های جمعی و نیز بالا رفتن میزان طلاق در ایران حکایت از وجود مشکلات و اختلالاتی در نظام خانواده در ایران دارد. (صدیق، اصغر پور، ۱۳۸۸) در ایران در طی سال‌های اخیر میزان طلاق افزایش یافته و این افزایش به ویژه در شهرهای بزرگ، بسیار محسوس است.

(حبیب پور، نازکتابار ۱۳۹۰) بررسی‌ها نشان می‌دهد که آمار طلاق در طی چند سال اخیر در ایران بیانگر حقایق تلخ و دردآوری است. (تیرگری، ۱۳۸۶) (نمودار ۱)



نمودار ۱: درصد طلاق و نسبت ازدواج به طلاق از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۵.

همان طور که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود طلاق در سال ۱۳۹۴، به ۲۳ درصد رسیده است. به بیانی دیگر در مقابل هر ۴/۲ ازدواج ثبت شده یک طلاق نیز ثبت شده است. طلاق در پایان آذر سال ۱۳۹۵، با افزایش ۲/۶ درصدی نسبت به سال ۹۴ به ۲۵/۶ درصد رسیده است. بدین معنا که در مقابل هر ۳/۹ ازدواج ثبت شده یک طلاق گزارش شده است (سایت سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۵).

بنابراین پژوهش پیرامون شناسایی علل طلاق و اولویت بندی آنها بیش از پیش ضروری و لازم به نظر می‌رسد.

و باید به صورت مستمر انجام شود چیزی که در بند سیزدهم سیاست‌های کلی خانواده از سوی مقام معظم رهبری نیز به آن اشاره شده است:

پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و عوامل تزلزل نهاد خانواده به‌ویژه موضوع طلاق و جبران آسیب‌های ناشی از آن با شناسایی مستمر عوامل طلاق و فروپاشی خانواده و فرهنگ‌سازی کراهت طلاق (سیاست‌های کلی خانواده، ۱۳۹۵).

کارشناسان علوم اجتماعی به این ضرورت توجه کرده و آنان طی ده سال اخیر حجم وسیعی از مطالعات و تحقیقات را به همین زمینه اختصاص داده‌اند. از آنجا که جمع بندی و نتیجه گیری نهایی از این حجم وسیع مطالعات و تحقیقات تاکنون صورت نگرفته است؛ بنابراین، این پژوهش با روش فراتحلیل، عوامل طلاق در دهه اخیر را مورد بررسی قرار داده تا اولویت‌ها را جهت سیاست گذاری و تشخیص راهبردهای کلان تقویت و استحکام خانواده به صورت علمی و دقیق معرفی نماید.

پیشینه

تحقیقاتی که همانند این مقاله در آنها سعی شده است از نتایج تحقیقات قبلی استفاده شود و آنها را سامان بدهد معمولاً از روش مرور سیستماتیک یا فراتحلیل‌های کیفی بهره برده‌اند. از جمله این تحقیقات عبارتند از:

۱. مرور سه دهه تحقیقات علل طلاق در ایران

در این تحقیق در جستجوی اولیه ۱۴۰ سند (شامل مقالات و پایان نامه‌ها) و در سه مرحله غربالگری، ۲۸ سند مورد انتخاب و بررسی قرار گرفته است. در نقد این تحقیق باید بیان کرد هر چند در آن از روش مرور سیستماتیک استفاده شده است لکن اطلاعاتی را که یک سیاست‌گذار به آن نیاز دارد فراهم نمی‌آورد و در قسمت‌هایی به بیان اطلاعات غیر ضروری مانند جنسیت محققان پرداخته است و مجموعه‌ای از اطلاعات را فراهم آورده که این اطلاعات در واقع به عنوان مقدمه‌ای برای فراتحلیل به حساب می‌آید.

۲. فراتحلیل مطالعات خانواده در زمینه عوامل مقوم و عوامل فرساینده خانواده ایرانی

نقدی که به تحقیق قبل وارد است شامل این تحقیق نیز می‌شود. در این تحقیق از عنوان فراتحلیل استفاده شده اما فراتحلیل مرحله انتهایی مرور سیستماتیک است و در واقع این تحقیق نیز مرور سیستماتیک است که اطلاعات کلی پیرامون دسته‌ای از تحقیقات را فراهم می‌آورد. همچنین در اهداف تحقیق، ترکیب و تلفیق نتایج تحقیقات انجام شده درباره عوامل مقوم و عوامل فرساینده خانواده ایرانی به عنوان هدف بیان شده است اما این کار با هیچ روش علمی پیگیری نشده و فقط به بیان تعداد فراوانی علل در تحقیقات مختلف بسنده شده که این موید هیچ مطلبی نیست.

بنابراین در پژوهش حاضر سعی شده نواقص مطرح شده برطرف شود. برای این مهم فراتحلیل کمی به جای فراتحلیل کیفی به کار رفته و مهم‌ترین علل طلاق مبتنی بر

داده‌های تجربی حاصل از فراتحلیل بدست آمده و اطلاعاتی را که یک سیاست گذار به آن نیاز دارد فراهم شده است.

چارچوب نظری

طلاق از جمله پدیده‌های اجتماعی چند بعدی است و برای تحلیل آن باید از ابعاد مختلف به آن نگریست. (حیب پور، نازک‌تبار ۱۳۹۰) با بررسی نظریات مختلف مشخص شد هر یک از اندیشمندان از ابعاد گوناگون به تبیین این پدیده پرداخته‌اند. بدین معنا که هریک از آنها نحوه پدید آمدن طلاق از ناحیه یک علت یا نهایتاً چند علت را بررسی کرده‌اند. مانند نظریه شبکه که به تحلیل یکی از علل طلاق یعنی دخالت خانواده و اطرافیان پرداخته است یا نظریه کشمکش که به تحلیل اختلافات زناشویی ناشی از کمبود منابع پرداخته است. اما آنچه مورد تاکید این پژوهش است تنها چگونگی بروز طلاق توسط یک علت نیست بلکه شناخت روابط بین علل مختلف، نحوه اثرگذاری آنها بر یکدیگر و تفکیک میان علل زمینه ساز و علل مستقیم طلاق مورد نظر است. از آنجا که نظریه‌ای با زوایه پاسخ گویی به این سوالات اساسی ارائه نشده است بنابراین برای پاسخ به این پرسش‌ها در این پژوهش از «نظریه رشد چهار بعدی تأثیرات» استفاده شده است.

این نظریه، شامل ۴ بخش است:

۱- فرق بین موضوع و علت

نگارندگان پس از بررسی و تحلیل پژوهش‌های مختلف معتقدند تمامی موارد بیان شده در تحقیقات در واقع همبستگی با طلاق دارد و می‌توان آنها را موضوع نامید. بنابراین باید به این نکته توجه داشت که همبستگی بین دو متغیر به عنوان مثال اعتیاد و گرایش به طلاق، ضرورتاً و الزاماً به معنی رابطه علی و معلولی بین آنها نیست. بلکه تنها نشان

می‌دهد تغییر در یک متغیر، موجب تغییر در متغیر دیگر می‌شود. بنابراین تحقیقات همبستگی معمولاً رویکردی مقدماتی برای مطالعه روابط علی و معلولی است.

۲- انواع موضوعات

طبق این نظریه در یک نگاه کلی، زندگی مشترک از چهار ناحیه و بُعد مورد تأثیر واقع می‌شود. بُعد فردی، زوجینی، خانوادگی و اجتماعی. بنابراین موضوعات مختلف از ناحیه این چهار بُعد، زندگی زناشویی را تحت تأثیر قرار خواهد داد. البته این تفکیک به معنای تفکیک عقلی موضوعات از یکدیگر نیست بلکه بیشتر به نحوه تأثیرگذاری اشاره دارد زیرا موضوعات مختلف از یکدیگر جدا نیستند و در یک نگاه سیستمی، تمام آنها با یکدیگر در تعاملند. (زارع، نجفی، و عنایت، ۱۳۹۲)

الف) بُعد فردی موضوعاتی است که از ناحیه یکی از زوجین وارد زندگی مشترک می‌شود. در تحقیقات به موضوعات فردی مختلفی مانند بی‌سوادی، ضعف مبانی اعتقادی، اعتیاد و... اشاره شده است.

ب) بُعد زوجینی یعنی موضوعاتی که ناشی از زوجیت است. این موضوعات را می‌توان به سه دسته ساختاری، انتخابی و ارتباطی تقسیم بندی کرد. موضوعات ساختاری مربوط به جنبه زیستی یک زندگی مشترک است. نظیر ازدواج مجدد، تجربه کم زندگی مشترک و تعداد فرزند کم. موضوعات انتخابی مربوط به آغاز و تاسیس زندگی مشترک است نظیر عدم کفویت در عقاید و عدم کفویت فرهنگی و اقتصادی و موضوعات ارتباطی مربوط به روابط بین زوجین است نظیر عدم رضایت زناشویی، عدم علاقه، اختلاف سلیقه و عدم تفاهم.

ج) بُعد خانوادگی موضوعاتی را شامل می‌شود که از ناحیه خانواده‌ها و دوستان زوجین، در زندگی آنها تأثیر می‌گذارد نظیر حمایت اشتباه، دخالت، ازدواج اجباری، سابقه طلاق.

د) بعد اجتماعی موضوعاتی را شامل می‌شود که از ناحیه جامعه، زندگی زوجین را تحت تاثیر قرار می‌دهد. مانند علل اقتصادی همچون بیکاری، یا تغییرات گسترده فرهنگی مانند تغییرات ارزشی و فروپاشی هنجارها و اشتغال بانوان.

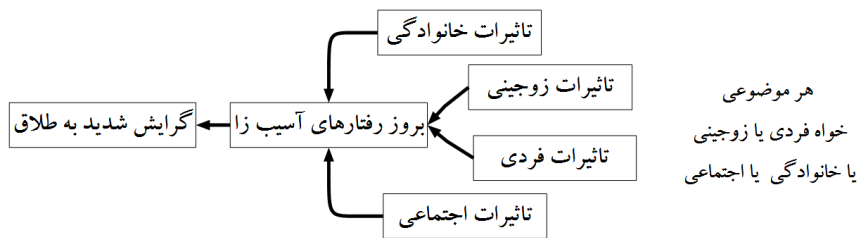
۳- نحوه تبدیل شدن موضوع به علت

با توجه به تفاوتی که بین موضوع و علت است چنین به نظر می‌رسد علت بودن یک موضوع نزد نظریات مختلف مفروض واقع شده است و با این فرض، به نحوه پدید آمدن طلاق از ناحیه یک علت توسط بیان اموری که با این علت در ارتباط است پرداخته اند. به عنوان مثال در نظریه شبکه، «دخالتم خانواده» که تنها یک موضوع است یعنی همبستگی با طلاق دارد به عنوان یک علت مفروض واقع شده و به اموری که سبب به وجود آمدن این دخالت شده است مانند تسلط شبکه و... پرداخته شده است. به نظرمی‌رسد این شیوه صحیح نیست و اولاً نحوه تبدیل شدن یک موضوع به علت مشخص نشده و ثانیاً از اثرات ناشی شده از خود این موضوع به روی زندگی زوجین غفلت شده است و ثالثاً نحوه ارتباط این تاثیرات مختلف با یکدیگر بیان نشده است.

اما نظریه «رشد چهار بعدی تاثیرات» به این سه امر مهم توجه کرده است. طبق این نظریه تاثیرات ناشی شده از یک موضوع آن را تبدیل به علت می‌کند. به بیانی دیگر یک موضوع هرچند از ناحیه فرد یا زوجین یا خانواده و یا اجتماع وارد می‌شود اما زمانی به علتی برای طلاق تبدیل می‌شود که تمامی تاثیرات فردی، زوجینی، خانوادگی و اجتماعی را به همراه داشته باشد و اگر این تاثیرات توسط این موضوع به وجود نیاید یا شدت آن کم و ناچیز باشد این موضوع سبب طلاق نخواهد شد. برای اشاره به این رشد و رویش و گسترش در این نظریه مفهوم علت بکار برده شده است.

در ادامه یک موضوع به عنوان مثال بیان شده و نحوه تبدیل شدنش به علت توضیح داده می‌شود. ناباروری یک موضوع فردی است یعنی از ناحیه فرد وارد زندگی مشترک

می‌شود اما زمانی تبدیل به علت می‌شود که از حیث خانوادگی فرد با بی‌توجهی خانواده طرف مقابل یا با نیش و کنایه‌های آنها مواجه شود. از حیث زوجینی یا روابط میان زوجین، فرد با بی‌توجهی طرف مقابل یا با عدم همکاری و عدم مسئولیت‌پذیری او روبرو شود. از حیث اجتماعی در قالب مضامین نادرستی همچون اجاق کور و... خود را تحت فشار ببیند. از حیث فردی احساس نقص و کمبود شدید کند. بین این تاثیرات نیز یک روابط منطقی وجود دارد که در مدل زیر به نمایش گذاشته شده است. (مدل ۱)



مدل ۱: تبیین روابط میان اثرات مختلف یک موضوع.

بنابراین برآیند تمامی این تاثیرات از طریق فرد در قالب بروز رفتارهای آسیب‌زایی همچون خشم و عصبانیت و... به روابط بین زوجین وارد می‌شود. این رفتارها سبب اختلافات شدید میان زوجین خواهد شد در این حالت است که ناباروری و نازایی به علتی برای طلاق تبدیل شده است.

۴- مفهوم بستر

علل زمینه ساز و علل مستقیم طلاق کدام است؟ نظریه باید توان پاسخ‌گویی به این سوال را نیز داشته باشد. نظریه «رشد چهار بعدی تاثیرات» با ارائه مفهوم بستر به این مهم پرداخته است. مفهوم بستر اشاره به زمینه‌هایی دارد که محل بروز موضوعاتی مختلفی اعم از فردی، زوجینی، خانوادگی یا اجتماعی است. در این نظریه دو بستر «مدرنیته، شهرنشینی» و «جهل و ناآگاهی» به عنوان بسترهایی است که تمامی موضوعات از آنها ناشی شده است.

روش تحقیق

عموما پژوهشگران دو روش مروری و تحلیلی در مرور پژوهش‌ها استفاده می‌کنند:

۱. مرور غیر سیستماتیک یا روایتی یا نقلی^۱ روشی است که در آن نویسنده یا نویسندگان برای یافتن پاسخ سوال مورد نظر صرفا براساس ذهنیت قبلی خود از موضوع مورد بحث به جستجوی مقالات و مطالعات مرتبط می‌پردازند. آنگاه این جستجو را تا رسیدن به مقالات مورد نظر و انتخاب مطالعات مناسب ادامه می‌دهند. سپس با جمع بندی نتایج به دست آمده و تلفیق آن با تجربیات خویش، نتیجه‌گیری نهایی را ارائه می‌دهند.

۲. مرور سیستماتیک یا جامع^۲ انجام همین مراحل اما بر اساس قاعده کاملا دقیق و از قبل تنظیم شده است. بدین مفهوم که تمامی مراحل از جستجو تا انتخاب مقالات، معیارهای ورود و حذف مقالات، نحوه ارزیابی کیفیت و شیوه استخراج داده‌ها و ترکیب آنها، همگی بر اساس قاعده‌ای مشخص صورت می‌گیرد. (حشمت، ۱۳۸۶). در متاآنالیز^۳ یا فراتحلیل با بهره‌گیری از روش‌های آماری به ترکیب داده‌ها و نتایج بدست آمده از یک مرور سیستماتیک پرداخته می‌شود. بنابراین آن را می‌توان مرحله پایانی از مرور سیستماتیک دانست که از مراحل زیر تشکیل شده است:

۱. تعیین متغیر یا متغیرهای مستقل و وابسته: در این پژوهش متغیرهای مستقل، تمامی عللی است که از سوی محققان مورد بررسی واقع شده و به نوعی به عنوان علل فزاینده گرایش به طلاق بیان شده‌اند. بنابراین متغیر وابسته در این تحقیق، گرایش به طلاق است.

۱. Non-systematic or narrative review.

۲. Systematic review or overview.

۳. Meta- analysis.

۲. جستجوی فراگیر: در فراتحلیل، نمونه‌گیری وجود ندارد و در یک جستجوی جامع تلاش می‌شود به تمامی پژوهش‌ها در یک بازه زمانی دست یافت. جامعه آماری این پژوهش، تمام تحقیقات صورت گرفته پیرامون علل طلاق در بازه زمانی ده سال گذشته ۱۳۸۵-۱۳۹۵ است. این تحقیقات در دو گروه پایان نامه‌ها، پژوهش‌ها و مقالات علمی پژوهشی جای دارند. جستجوی مقالات ویژه کنفرانس‌ها از پایگاه مرجع دانش به نشانی <http://www.civilica.com> صورت گرفت. جستجوی مقالات علمی و پژوهشی در مجلات علمی از پایگاه مجلات تخصصی نور به نشانی <http://www.noormags.ir> صورت گرفت. همچنین برای تکمیل شدن جستجوها از پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی به نشانی <http://www.ensani.ir> و پرتال جامع علوم انسانی به نشانی <http://fa.journals.sid.ir> استفاده شد. برای جستجو در پایان‌نامه‌ها از سایت پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران به نشانی <http://www.irandoc.ac.ir> استفاده شد و پس از مراجعه به این مرکز اطلاعات پایان‌نامه‌های مورد نظر استخراج شد. در این پژوهش ۱۰۰ مقاله علمی-پژوهشی، و ۵۰ پایان‌نامه علمی معتبر بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ جهت بررسی انتخاب شد. این تحقیقات از حیث روش به دو دسته علی مقایسه‌ای و همبستگی تقسیم‌بندی می‌شوند. در نهایت تعداد ۵۵ مقاله و پایان‌نامه که معیارهای لازم را داشتند انتخاب شده و کار فراتحلیل به روی ۲۶۰ آزمون خروجی از آنها صورت گرفت.

۳. پالایش مقالات، پژوهش‌ها و پایان‌نامه: تحقیقاتی در فراتحلیل انتخاب می‌شوند که دارای مبانی و روش علمی بر اساس معیارهای انتخاب شده باشند و اطلاعات لازم برای فراتحلیل را به درستی بیان کرده باشند. این معیارها در جدول زیر نمایش داده شده است.

مقالات رتبه علمی پژوهشی داشته باشند.	تحقیق دارای چارچوب نظری باشد
نویسندگان کارشناس ارشد یا دکتر باشند.	تئوری استفاده شده بیان شده باشد.
روش تحقیق به درستی گزارش شده باشد.	تکنیک نمونه‌گیری و فرمول نمونه‌گیری بیان شده باشد
اعتبار و روایی پرسش‌نامه‌ها بیان شده باشد.	جامعه آماری بیان شده باشد.

در این مقاله از بین ۱۵۰ اثر تعداد ۵۵ مقاله، پژوهش و پایان‌نامه‌ای که دارای معیارهای ورود به فراتحلیل بود انتخاب شد.

۴. استخراج اطلاعات: در تحقیقات مختلف عوامل متعددی برای طلاق ذکر شده که با انواع مختلفی از آزمون‌ها مورد بررسی واقع شده است. با بررسی دقیق ۵۵ اثر انتخاب شده ۲۶۰ آزمون از این منابع استخراج شد.

۵. تعیین یک اندازه اثر برای هر آزمون

از آنجا که هر یک از مطالعات قوت رابطه بین علل بیان شده و گرایش به جدایی و طلاق را با آماره‌های متفاوتی ارزیابی کرده‌اند، لازم است کلیه آماره‌های محاسبه شده، به یک آماره مشترک با مقیاس مشابه تبدیل شود که در ادبیات فراتحلیل تحت عنوان اندازه اثر شناخته می‌شود. اندازه اثر، نشان‌دهنده میزان یا درجه حضور یک پدیده در جامعه است و هرچه اندازه اثر بزرگ‌تر باشد، درجه حضور پدیده بیشتر است. اندازه اثر مقیاسی است که درباره هر آزمون مورد استفاده قرار می‌گیرد و فراتحلیل را امکان پذیر می‌سازد. از آنجا که فراتحلیل تکنیکی آماری است که به ترکیب اندازه اثرهای حاصل از انجام پژوهش‌های مختلف می‌پردازد؛ بنابراین در فراتحلیل، اصل اساسی عبارت است از محاسبه اندازه اثر برای تحقیقات مجزا و برگرداندن آنها به یک ماتریس مشترک و آنگاه ترکیب آنها برای دستیابی به میانگین اندازه اثر یا میانگین تاثیر.

سنجش اندازه اثر باید به نحوی صورت گیرد که در بین تحقیقات مختلف قابل مقایسه باشد. دو نوع اندازه اثر معروف و متداول وجود دارد که عبارتند از R و d که غالباً d را برای تفاوت‌های گروهی و R را برای مطالعات همبستگی به کار می‌برند. در این پژوهش از شاخص R استفاده شده و آماره‌های F ، X^2 و T با استفاده از فرمول‌های جدول ۱ به R تبدیل شده‌اند (فراهانی، ۱۳۸۴).

آماره‌ای که باید تبدیل شود	فرمول تبدیل به R
T	$\sqrt{\frac{T^2}{T^2 + DF}}$
F	$\sqrt{\frac{F}{F + DF (error)}}$
X ²	$\sqrt{\frac{x^2}{N}}$

جدول ۱- فرمول‌های تبدیل آزمون‌های T، X² و F به اندازه اثر (R)

۶. پس از بدست آوردن اندازه اثرها میانگین اندازه اثر نهایی مشخص شده و برای تفسیر اندازه‌های اثر از جدول کوهن^۱ استفاده می‌شود. براساس نظر کوهن اندازه‌های اثرهای ۰/۱ - ۰/۳ - ۰/۵ به ترتیب به عنوان شاخص‌های کم، متوسط و زیاد قلمداد می‌شود. (فراهانی، ۱۳۸۴)

نتایج

همان طور که گذشت نگارندگان پس از بررسی و تحلیل پژوهش‌های مختلف معتقدند تمامی موارد بیان شده در تحقیقات در واقع همبستگی با طلاق دارد و می‌توان آنها را موضوع نامید. بنابراین با بررسی پژوهش‌های صورت گرفته بین سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۵ تعداد ۲۶۰ آزمون به منظور فراتحلیل استخراج شد. موضوعات مطرح شده در این آزمون‌ها را می‌توان به شرح ذیل تقسیم بندی کرد. در قسمت تحلیل و بررسی، نحوه تبدیل شدن هر موضوع به علت بین خواهد شد.

۱. Cohen.

۱- موضوعات فردی

موضوعاتی است که از ناحیه یکی از زوجین وارد زندگی مشترک شده و زندگیشان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. فراتحلیل به روی آزمون‌هایی که در آنها موضوعات فردی و میزان گرایش به طلاق بررسی شده است صورت گرفت. (جدول ۲)

تعداد آزمون‌ها	انواع آزمون‌های به کار رفته شده	میانگین اندازه اثر موضوعات فردی
۵۸ آزمون	همبستگی پیرسون واسپریمن آزمون کای دو، آزمون تی	$\frac{\sum_1^n R}{N} = ۰/۳۹۸$

جدول ۲: فراتحلیل موضوعات فردی و میزان گرایش به طلاق.

طبق فراتحلیل صورت گرفته میانگین اندازه اثر موضوعات فردی ۰/۳۹۸ بدست آمد که طبق جدول کوهن متوسط رو به زیاد ارزیابی می‌شود.

۲- موضوعات زوجینی

این موضوعات از ارتباط بین زوجین ناشی شده و بر زندگی مشترک تاثیر می‌گذارد و آنها را می‌توان به سه دسته ساختاری، انتخابی و ارتباطی تقسیم بندی کرد.

۲-۱. موضوعات ساختاری

موضوعاتی است که از ناحیه جنبه زیستی زندگی مشترک، زندگی زوجین را تحت تاثیر قرار می‌دهد. فراتحلیل به روی آزمون‌هایی که در آنها موضوعات ساختاری و میزان گرایش به طلاق بررسی شده است صورت گرفت (جدول ۳).

تعداد آزمون‌ها	انواع آزمون‌های به کار رفته شده	میانگین اندازه اثر موضوعات فردی
۲۷ آزمون	همبستگی پیرسون واسپریمن آزمون کای دو، آزمون تی	$\frac{\sum_1^n R}{N} = ۰/۳۸۲$

جدول ۳: فراتحلیل موضوعات ساختاری و میزان گرایش به طلاق.

طبق فراتحلیل صورت گرفته میانگین اندازه اثر موضوعات ساختاری ۰/۳۸۲ بدست آمد که طبق جدول کوهن متوسط رو به زیاد ارزیابی می‌شود.

۲-۲. موضوعات انتخابی

موضوعاتی است که از ناحیه آغاز و تاسیس زندگی مشترک، زندگی زوجین را تحت تاثیر قرار می‌دهد. فراتحلیل به روی آزمون‌هایی که در آنها موضوعات انتخابی میزان گرایش به طلاق بررسی شده است صورت گرفت (جدول ۴).

تعداد آزمون‌ها	انواع آزمون‌های به کار رفته شده	میانگین اندازه اثر موضوعات فردی
۴۵ آزمون	همستگی پیرسون واسپریمن آزمون کای دو، آزمون تی	$\frac{\sum_1^n R}{N} = ۰/۳۵۳$

جدول ۴: فراتحلیل موضوعات انتخابی و میزان گرایش به طلاق.

طبق فراتحلیل صورت گرفته میانگین اندازه اثر موضوعات انتخابی ۰/۳۵۳ بدست آمد که طبق جدول کوهن متوسط رو به زیاد ارزیابی می‌شود.

۳-۲. موضوعات ارتباطی

موضوعاتی است که در روابط خود زوجین رخ می‌دهد. فراتحلیل به روی آزمون‌هایی که در آنها موضوعات ارتباطی و میزان گرایش به طلاق بررسی شده است صورت گرفت (جدول ۵).

تعداد آزمون‌ها	انواع آزمون‌های به کار رفته شده	میانگین اندازه اثر موضوعات فردی
۲۹ آزمون	همستگی پیرسون واسپریمن آزمون کای دو، آزمون تی	$\frac{\sum_1^n R}{N} = ۰/۴۳۸$

جدول ۵: فراتحلیل موضوعات ارتباطی و میزان گرایش به طلاق.

طبق فراتحلیل صورت گرفته میانگین اندازه اثر موضوعات ارتباطی ۰/۴۳۸ بدست آمد که طبق جدول کوهن نزدیک به زیاد ارزیابی می‌شود.

۳- موضوعات مربوط به خانواده و دوستان

موضوعاتی است که از ناحیه خانواده زوجین و دوستانشان زندگی آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. فراتحلیل به روی آزمون‌هایی که در آنها موضوعات خانوادگی و دوستان

نظیر حمایت اشتباه، دخالت، ازدواج اجباری، سابقه طلاق و میزان گرایش به طلاق بررسی شده است صورت گرفت (جدول ۶).

تعداد آزمون‌ها	انواع آزمون‌های به کار رفته شده	میانگین اندازه اثر موضوعات فردی
۳۱ آزمون	همبستگی پیرسون واسپریمن آزمون کای دو، آزمون تی	$\frac{\sum_1^n R}{N} = ۰/۳۵۸$

جدول ۶: فراتحلیل موضوعات وارده از سوی خانواده و دوستان و میزان گرایش به طلاق.

طبق فراتحلیل صورت گرفته میانگین اندازه اثر موضوعات وارده از خانواده‌ها و دوستان ۰/۳۵۸ بدست آمد که طبق جدول کوهن متوسط رو به زیاد ارزیابی می‌شود.

۴- موضوعات اجتماعی

موضوعاتی است که از ناحیه جامعه، زندگی زوجین را تحت تاثیر قرار می‌دهد. فراتحلیل به روی آزمون‌هایی که در آنها موضوعات نظیر اشتغال زنان، تغییر ارزش‌ها، بیکاری و پایین بودن درآمد، مشاغل آزاد و کارگری، عدم سرمایه اجتماعی، فرد گرایی و میزان گرایش به طلاق بررسی شده است صورت گرفت (جدول ۷).

تعداد آزمون‌ها	انواع آزمون‌های به کار رفته شده	میانگین اندازه اثر موضوعات فردی
۴۸ آزمون	همبستگی پیرسون واسپریمن آزمون کای دو، آزمون تی	$\frac{\sum_1^n R}{N} = ۰/۳۹۳$

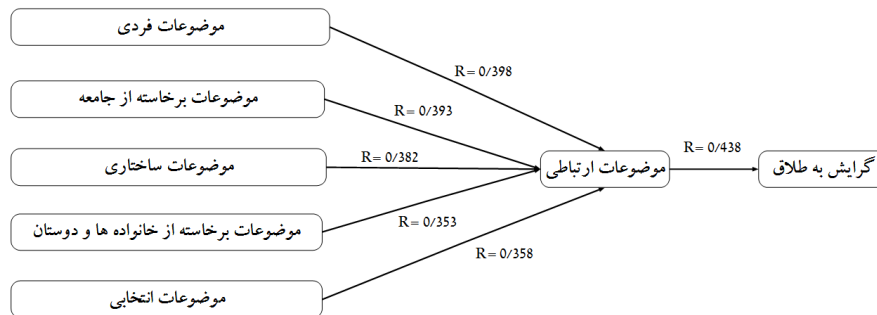
جدول ۷: فراتحلیل موضوعات وارده از سوی جامعه و میزان گرایش به طلاق.

طبق فراتحلیل صورت گرفته میانگین اندازه اثر موضوعات وارده از جامعه ۰/۳۹۳ بدست آمد که طبق جدول کوهن متوسط رو به زیاد ارزیابی می‌شود.

بحث و تحلیل

می‌توان مدل زیر را در تبیین میزان گرایش به طلاق با توجه به موضوعات مختلف

بیان کرد: (مدل ۲)



مدل ۲: میزان گرایش به طلاق با توجه به موضوعات مختلف.

با توجه به میانگین‌های بدست آمده می‌توان گفت موضوعات ارتباطی بین زوجین مهم‌ترین موضوعات بروز طلاق از نظر تحقیقات صورت گرفته بین سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۵ است. این یافته را می‌توان نتیجه‌ای دانست که در تحقیقات هم سنخ با این پژوهش ذکر نشده است و هیچ پژوهشی با استفاده از فراتحلیل کمی به این موضوع نپرداخته است. نوآوری این تحقیق در این است که هر یک از پژوهش‌ها به صورت تک عاملی و در یک محدوده جغرافیایی به تحلیل پدیده طلاق پرداخته‌اند اما این پژوهش با یک نگاه کلان و ساختاری در طول یک دهه به این پدیده و عوامل بروز آن نگر بسته است. گستره جغرافیایی نتایج این تحقیق شامل شهرهای یزد، مشکین شهر، مازندران، شیراز، تهران، کرمانشاه، سنندج، زنجان، اصفهان، همدان، بانه، نقده، تبریز، آران و بیدگل، ایذه، سردشت، میاندوآب، قم، گرمسار، پاره، گناباد، مینودشت، یاسوج، کاشان، بوشهر، قائم شهر، گرگان و سقز است. در ادامه تبیین هر یک از موضوعات ارائه خواهد شد.

طبق فراتحلیل صورت گرفته میانگین اندازه اثر موضوعات فردی ۰/۳۹۸ است که طبق جدول کوهن متوسط رو به زیاد ارزیابی می‌شود. موضوعات فردی مانند ضعف مسئولیت‌پذیری، بی‌سوادی، ضعف مبانی اعتقادی، خشونت و بد اخلاقی، اعتیاد، عدم موفقیت، عدم بلوغ فکری، تغییرنگاه، بی‌بند و باری، تهمت، توسط یکی از زوجین وارد زندگی مشترک می‌شود.

در تبیین رابطه بین این موضوعات و ایجاد گرایش به طلاق می‌توان از نظریه «رشد چهار بُعدی تأثیرات» استفاده کرد. طبق این نظریه اگر توسط یک موضوع تأثیرات چهارگانه‌ای در چهار بُعد فردی، خانوادگی، زوجینی و اجتماعی ایجاد شود؛ آن موضوع تبدیل به علت خواهد شد زیرا برآیند و تجمع تأثیرات مختلف آن سبب بروز رفتارهای آسیب‌زا توسط زوجین شده و مشکلات ارتباطی زیادی به وجود خواهد آورد. این روند در مورد موضوعات فردی کاملاً صدق می‌کند.

هر یک از این موضوعات فردی اگر اثرات خاصی را در چهار بُعد ایجاد کند به علتی برای طلاق تبدیل خواهد شد. به عنوان مثال اعتیاد، تأثیرات فردی نظیر ناراحتی‌های عصبی، اضطراب، ضعف اراده، بی‌توجهی به مسئولیت‌های فردی، ضعف حافظه و به هم خوردن تعادل روانی ایجاد می‌کند. (هنریان، یونسی، ۱۳۹۰) با توجه به این عوارض جسمی و روانی گسترده، رشد تأثیرات اعتیاد از بُعد فردی به بُعد اجتماعی، خانوادگی و زوجینی دور از انتظار نیست.

نابودی پایگاه اجتماعی از جمله تأثیرات اجتماعی اعتیاد است. فرزندان به خاطر نداشتن این جایگاه اجتماعی به مادرشان شکایت می‌کنند. همسر نیز در بین دوستان و فامیل نوعی احساس سرخورده‌گی می‌کند. عدم حمایت خانواده از فرد معتاد، و برخوردهای اعتراضی خانواده طرف مقابل از جمله تأثیرات خانوادگی اعتیاد است. فرد معتاد به علت‌هایی نظیر بی‌محلی به خانواده خود یا خشونت و ناراحتی، از سوی خانواده خود حمایت نخواهد شد. همچنین از سوی خانواده طرف مقابل به منظور نجات فرزندشان از آسیب‌های اعتیاد، با برخوردهایی اعتراضی روبرو خواهد شد.

اختلالات جنسی، کاهش همکاری و اختلال در نظام تصمیم‌گیری زندگی از جمله تأثیرات زوجینی اعتیاد است. کاهش همکاری به این دلیل است که اعتیاد در فرد معتاد، روحیه فرار از مسئولیت ایجاد کرده و همزیستی عادی بین زن و شوهر را از بین می‌برد.

(روستا، غیائی، معین، ۱۳۸۹). اختلال در نظام تصمیم گیری زندگی به این دلیل است که اعتیاد از لحاظ فکری و عقلی فرد معتاد را دچار آسیب می کند. در چنین شرایطی اگر زوج معتاد باشد رکن تصمیم گیر خانواده از بین رفته و در خانواده هرج و مرج بوجود خواهد آمد و اگر زوجه معتاد باشد نظام تربیتی خانواده مختل خواهد شد. در چنین حالتی توافق زوجین در تصمیم گیری ها به شدت کاهش می یابد (زرگر، نشاط دوست، ۱۳۸۶).

بنابراین طبق نظریه «رشد چهار بُعدی تاثیرات» تاثیرات ناشی از اعتیاد در نهایت سبب بروز رفتارهای آسیب زا مانند خشونت خواهد شد. این خشونت به دلیل تغییرات در سیستم عصبی توسط مواد مخدر به وجود خواهد آمد. تحقیقات نشان می دهد ارتباط مثبتی بین اعتیاد مردان و خشونت وجود دارد. تحقیق به روی ۱۲۰ زن مراجعه کننده به مرکز پزشکی قانونی شهر تبریز که از سوی شوهران خود کتک خورده بودند نشان داد ۶۹ درصد شوهران سیگار یا مواد مخدر مصرف می کردند (خواجوی، ۱۳۹۴).

بنابراین اگر تاثیرات اعتیاد در چهار بُعد کامل شود و رفتارهای آسیب زا بروز دهد؛ اعتیاد به علتی برای طلاق تبدیل خواهد شد. تحقیقات نیز نشان می دهد زوجه در ابتدا با اعتیاد شوهر سازگاری نشان می دهد. تحقیق به روی ۴۰۰ زن متاهل زنجانی نشان داد افزایش مدت زمان اعتیاد سبب گرایش آنها به طلاق می شود. (افشاری، ۱۳۹۱) این از آن روست که با گذشت زمان، اگر از بروز تاثیرات اعتیاد جلوگیری نشود، تاثیرات کامل اعتیاد در هر چهار بُعد خود را نشان خواهد داد.

همچنین طبق فراتحلیل صورت گرفته میانگین اندازه اثر موضوعات وارده از جامعه ۰/۳۹۳ بدست آمد که طبق جدول کوهن متوسط رو به زیاد ارزیابی می شود. موضوعات اجتماعی نظیر اشتغال زنان، تغییر ارزشها، بیکاری و پایین بودن درآمد، مشاغل آزاد و کارگری، عدم سرمایه اجتماعی، فرد گرایی؛ موضوعاتی است که از ناحیه جامعه، زندگی زوجین را تحت تاثیر قرار می دهد.

بیکاری و نداشتن درآمد کافی یا به بیان دیگر، وضعیت سخت اقتصادی در جامعه احتمال وقوع گسیختگی خانواده و بی‌سامانی آن را افزایش می‌دهد. (کانگر، ۱۹۹۴ به نقل از حبیب پور، نازک‌تبار ۱۳۹۰) در تبیین رابطه بین این موضوع و ایجاد گرایش به طلاق می‌توان از نظریه «رشد چهار بُعدی تاثیرات» استفاده کرد. طبق این نظریه بیکاری تاثیرات خاصی را در چهار بُعد فردی، خانوادگی، اجتماعی و زوجینی ایجاد خواهد کرد.

افسردگی و کاهش عزت نفس از جمله تاثیرات فردی بیکاری است. در تحقیق به روی ۳۰ زن طلاق گرفته مشخص شد بین وضعیت اقتصادی و سطح افسردگی زنان همبستگی و رابطه معکوس معنادار وجود دارد. بدین معنا که هرچه قدر وضعیت اقتصادی سخت شود، افسردگی در زنان افزایش می‌یابد. (حیدری، ۱۳۸۲) فقر و بیکاری نیز باعث کاهش عزت نفس مرد می‌شود. این کاهش عزت نفس سبب بروز استبداد نسبت به دیگران از جمله همسر می‌شود (یانگ، هافرت، ۱۹۹۸ به نقل از هنریان، یونسی، ۱۳۹۰)

دخالت یکی از تاثیرات خانوادگی بیکاری است. زیرا بیکاری سبب می‌شود زوجین از خانواده‌های اصلی کمک مالی دریافت کنند. (محسن زاده، عارفی، نظری، ۱۳۹۰) کمک مالی والدین، انتظار حرف شنوی و فرمان‌پذیری را در آنها رشد می‌دهد.

سردی روابط، کاهش رضایت زناشویی و بی‌ثباتی از جمله تاثیرات زوجینی بیکاری است. سردی روابط به این دلیل است که بیکاری احساس نزدیکی و تعلق زن و شوهر نسبت به یکدیگر را تضعیف می‌کند. (هارپر، میشل، ۱۹۸۸ به نقل از عابدی نیا، نقی زاده، ۱۳۹۴). کاهش رضایت زناشویی به این دلیل است که بیکاری نوعی افسردگی در زنان ایجاد می‌کند. احمدیان با پژوهش به روی ۱۱۱ زن طلاق گرفته نشان داد که افسردگی زنان بر روابط آنان با همسرانشان تاثیر گذار است و در نهایت این افسردگی سبب کاهش رضایت مندی زناشویی می‌شود. (۱۳۸۸) بی‌ثباتی به این دلیل است که بیکاری، تعاملات مثبت زوجین خاصه مردان را کاهش می‌دهد و کاهش این تعاملات نظام روابط زناشویی را با بی‌ثباتی همراه می‌سازد (حبیب پور، نازک‌تبار ۱۳۹۰).

بنابراین طبق نظریه «رشد چهار بُعدی تاثیرات» تاثیرات ناشی از بیکاری در نهایت سبب بروز رفتارهای آسیب زا مانند خشونت، بی مسئولیتی و... خواهد شد. بنابراین اگر تاثیرات بیکاری در چهار بُعد کامل شود و رفتارهای آسیب زا بروز دهد؛ بیکاری به علتی برای طلاق تبدیل خواهد شد.

همچنین طبق فراتحلیل صورت گرفته میانگین اندازه اثر موضوعات ساختاری ۰/۳۸۲ بدست آمد که طبق جدول کوهن متوسط رو به زیاد ارزیابی می شود. موضوعات ساختاری نظیر ازدواج مجدد، تجربه کم زندگی مشترک، تعداد فرزند کم، اختلالات جنسی، نازایی، مرد سالاری موضوعاتی است که از ناحیه جنبه زیستی زندگی مشترک، زندگی زوجین را تحت تاثیر قرار می دهد.

نازایی و ناباروری یکی از موضوعاتی است که از ناحیه ساختاری، زندگی زوجین را تحت تاثیر قرار داده و احتمال وقوع گسیختگی خانواده و بی سامانی آن را افزایش می دهد. در تبیین رابطه بین این موضوع و ایجاد گرایش به طلاق می توان از نظریه «رشد چهار بُعدی تاثیرات» استفاده کرد. ناباروری یک موضوع فردی است یعنی از ناحیه فرد وارد زندگی مشترک می شود اما زمانی تبدیل به علت می شود که از حیث خانوادگی فرد با بی توجهی خانواده طرف مقابل یا با نیش و کنایه های آنها مواجه شود. از حیث زوجینی یا روابط میان زوجین، فرد با بی توجهی طرف مقابل یا با عدم همکاری و عدم مسئولیت پذیری او روبرو شود. از حیث اجتماعی در قالب مضامین نادرستی همچون اجاق کور و... خود را تحت فشار ببیند. از حیث فردی احساس نقص و کمبود شدید کند. بنابراین برآیند تمامی این تاثیرات از طریق فرد در قالب بروز رفتارهای آسیب زایی همچون خشم و عصبانیت و.. به روابط بین زوجین وارد می شود. این رفتارها سبب اختلافات شدید میان زوجین خواهد شد در این حالت است که ناباروری و نازایی به علتی برای طلاق تبدیل شده است.

طبق فراتحلیل صورت گرفته میانگین اندازه اثر موضوعات انتخابی ۰/۳۵۸ بدست آمد که طبق جدول کوهن متوسط رو به زیاد ارزیابی می‌شود. موضوعات انتخابی نظیر عدم کفویت در عقاید، نداشتن اختلاف تحصیلی، اختلاف طبقاتی، عدم شناخت همسر، عدم کفویت در تحصیلات، عدم تناسب سنی و استفاده از سبک نامناسب انتخاب همسر؛ موضوعاتی است که از ناحیه آغاز و تاسیس زندگی مشترک، زندگی زوجین را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

همچنین طبق فراتحلیل صورت گرفته میانگین اندازه اثر موضوعات خانوادگی ۰/۳۵۳ بدست آمد که طبق جدول کوهن متوسط رو به زیاد ارزیابی می‌شود. در این که خانواده و دوستان در هم بستگی ازدواج و ادامه آن نقش مهمی دارد، جای تردید نیست. موضوعات مربوط به خانواده و دوستان نظیر حمایت اشتباه، دخالت، ازدواج اجباری، سابقه طلاق موضوعاتی است که از ناحیه این افراد، زندگی زوجین را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

در ایران بسیاری از اختلالات زناشویی نتیجه دخالت‌های نابجا و غیرمنطقی خانواده‌های اصلی در روابط زوجین است. (هنریان، یونسی، ۱۳۹۰) دخالت، تاثیرگذاری اشخاص مختلف مثل والدین، برادر، خواهر، دوست در زندگی زن و شوهر است، به نحوی که در روند ثابت و سالم زندگی زوجین اثر گذاشته و احتمال اختلال و بحران را افزایش دهد (تقی پور، ابراهیم پور، راد، ۱۳۹۱).

کاهش عزت نفس و افسردگی از جمله تاثیرات فردی دخالت است. بی احترامی به والدین، عدم رفت و آمد با آنها از جمله تاثیرات خانوادگی دخالت است. ایجاد سو تفاهم، بی احترامی به یکدیگر و ایجاد تنش در رابطه زن و مرد از جمله تاثیرات زوجینی دخالت است. (باستانی، ۱۳۸۹) بنابراین طبق نظریه «رشد چهار بعدی تاثیرات» تاثیرات ناشی از دخالت در نهایت سبب بروز رفتارهای آسیب زا مانند خشونت خواهد شد. تحقیق به روی ۱۲۰ زن مراجعه‌کننده به مرکز پزشکی قانونی شهر تبریز که از سوی شوهران کتک خورده بودند نشان داد ۶۵ درصد این خانواده تحت دخالت خانواده مرد بودند. تحقیقات انجام شده در

شهر خدا بنده نشان داد که دخالت اقوام زن و مرد در خصوص زندگی مشترک زوجین از مهمترین عوامل ایجاد خشونت نسبت به زنان است. (خواجوی، ۱۳۹۴).

طبق فراتحلیل صورت گرفته میانگین اندازه اثر موضوعات ارتباطی ۰/۴۳۸ بدست آمد که طبق جدول کوهن نزدیک به زیاد ارزیابی می‌شود. موضوعات ارتباطی نظیر تعارض، عدم رضایت زناشویی، عدم علاقه، اختلاف سلیقه، عدم تفاهم، برآورده نشدن انتظارات، موضوعاتی است که در روابط خود زوجین رخ می‌دهد. طبق مدل ۲ موضوعات ارتباطی به صورت مستقیم سبب اصلی گرایش به طلاق است.

مشکلات ارتباطی می‌تواند یک ازدواج خوب را تخریب کند. این مشکلات با برهم زدن روابط زوجین، زمینه فروپاشی خانواده را فراهم می‌سازد (هاشمی، ۱۳۷۶). ارتباط ناسالم و غیر مؤثر ریشه بیشتر مشکلات زناشویی و سوء تفاهم‌های خانوادگی است. مشکلات ارتباطی سبب ضعیف شدن درک زوجین از یکدیگر و برآورده نشدن انتظاراتها و خواست‌های آنها از یکدیگر می‌شود. به عبارتی دیگر الگوهای ارتباطی نامطلوب موجب می‌شود مسائل مهمی که در یک رابطه زناشویی باید به شکل مطلوب به آن پرداخته شود حل نشود (هالفورد، ۱۹۹۵ ترجمه تبریزی و همکاران، ۱۳۸۴).

از جمله مشکلات ارتباطی عدم توانایی حل اختلاف است. در هر ارتباطی ممکن است اختلافاتی بروز دهد. زندگی زناشویی از این قاعده مستثنی نیست. به علت فاصله گرفتن از اصول ارتباط صحیح ممکن است اختلافات و مشاجراتی در زندگی زناشویی رخ دهد (هیت لر، ۲۰۰۹ ترجمه اکرمی، ۱۳۸۸) در بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران مشخص گردید عدم توانایی حل اختلاف اولین عامل مشکل ساز از دید زوجین است (هنریان، یونسی، ۱۳۹۰).

از دیگر مشکلات ارتباطی، تعارض است. تعارض می‌تواند عشق و حتی یک ازدواج خوب را تخریب کند. تعارض در خانواده روابط اعضای خانواده و وحدت میان آنها را با خطر

روبرو ساخته و در نهایت منجر به فروپاشی خانواده می‌گردد (هاشمی، ۱۳۷۶). به عنوان مثال تعارض ممکن است بر سر نحوه هزینه کرد درآمد رخ دهد. تحقیقات نشان می‌دهد که بیشتر تعارضات مالی، مربوط به این است که زنان گرایش بیشتری به اختصاص پول برای نیازهای روان‌شناختی نظیر زیبایی و منزلت اجتماعی دارند، ولی مردان اینگونه رفتارها را نشان بی‌توجهی، ناسپاسی و فقدان درک کافی همسر تلقی می‌کنند. (محسن زاده، عارفی، نظری، ۱۳۹۰) بنابراین عدم شناخت از روحیات و نیازهای یکدیگر سبب می‌شود تفاهم کافی در نحوه هزینه در بین زوجین نباشد و تعارض بوجود آید.

شایان ذکر است اکثر تعارضاتی که پایه ازدواج را می‌لرزاند در سال‌های اولیه زندگی اتفاق می‌افتد. (هنریان، یونسی، ۱۳۹۰) آمار حاکی از آن دارد از سال ۸۵ به بعد نزدیک به نیمی از طلاق‌ها مربوط به زوجینی بوده که کمتر از ۴ سال زندگی مشترک داشته‌اند. (جدول ۸)

در نه ماه اول ۱۳۹۵	۳۸/۳۶
۱۳۹۴	۴۰/۹
۱۳۹۳	۴۲/۱۳
۱۳۹۲	۴۲/۸۴
۱۳۹۱	۴۲/۹۱
۱۳۹۰	۴۳/۶۴
۱۳۸۹	۴۴/۵۰
۱۳۸۸	۴۵/۹۵
۱۳۸۷	۴۷/۵۰
۱۳۸۶	۴۷/۸۱
۱۳۸۵	۴۸/۳۳

جدول ۸: درصد طلاق رخ داده با کمتر از ۴ سال زندگی مشترک در سال‌های مختلف.

این نشان از آن دارد که زوجین جوان به دلیل آشنا نبودن با مهارت‌های ارتباطی توانایی حل اختلاف در سال‌های حساس اولیه زندگی مشترک را ندارند. بنابراین با آموزش مهارت‌های ارتباطی به زوجین جوان زمینه استحکام زندگی نوپای آنان فراهم می‌شود.

مهارت‌های ارتباطی به افراد کمک می‌کند در موقعیت‌های آشفته به جای استفاده از رفتارهای منفی و تشنج‌زا مانند انتقاد، سرزنش، طعنه و زخم زبان از شیوه‌های سازنده تری استفاده کنند و تعارضات موجود در رابطه را با به کارگیری روش‌های مثبت و استفاده

کمتر از تعاملات منفی مدیریت کنند و فضایی ایجاد کنند که در آن فرصت بیشتری برای توافق برای مشکلات خانواده وجود دارد (هنریان، یونسی، ۱۳۹۰).

قلی زاده و اسماعیلیان در تحقیق به روی ۲۸۸ نفر اصفهانی نتیجه گرفتند با افزایش مهارت ارتباطی بین زوجین، رضایت آنها از زندگی مشترک بیشتر می‌شود. (۱۳۹۳) زاهدی اصل و حسینی در تحقیق به روی ۴۰۰ نفر بوشهری نتیجه گرفتند هرچقدر مهارت ارتباطی بین زوجین بیشتر شود اختلاف زناشویی کمتر می‌شود (۱۳۹۱).

البته از آنجا که فرضیات در اکثر تحقیقات، با توجه به وضعیت روبنایی یک خانواده در آستانه فروپاشی یعنی موضوعات ارتباطی شکل می‌گیرد ممکن است از توجه به عوامل اساسی و اصلی غفلت شود. بنابراین یافته این فراتحلیل بدین معنا نیست که تمامی راهبردها و راهکارهای فرهنگی به روی ارتباطات دو سویه زوجین متمرکز شود. به بیانی دیگر پیشنهاد می‌شود هر چند موضوعات ارتباطی از نظر تحقیقات، بیشترین اندازه اثر را دارد اما بهترین راهبرد برای جلوگیری از طلاق طبق نظریه رشد چهار بُعدی تأثیرات اولاً جلوگیری از تبدیل شدن موضوعات مختلف به علت است که در این راستا باید با ارائه راهکارهایی به خانواده‌ها آنها را در موضوعات مختلف آموزش داد تا به محض وقوع یک موضوع بتوانند از علت شدن آن جلوگیری کنند. ثانیاً باید به ریشه یابی این موضوعات پرداخته و به بسترهایی که زمینه ساز ایجاد، رشد و گسترش موضوعات مختلف است توجه کرد.

طبق نظریه رشد چهار بُعدی تأثیرات دو بستر به صورت کلان در وضعیت فروپاشی خانواده ایرانی نقشی عمده دارد. بستر مدرنیته و شهر نشینی که سبب می‌شود موضوعات، تغییر ارزش‌ها و عدم پابندی به دین، ارتباط با نامحرم و بی بندوباری، فردگرایی، تغییر نقش‌های جنسیتی، تغییر نگاه به طلاق، تحصیلات و اشتغال زنان... پدید بیاید و بستر «ناآگاهی و جهل» که به دو دسته ناآگاهی خانواده و ناآگاهی زوجین تقسیم بندی می‌شود. ناآگاهی خانواده‌ها سبب می‌شود موضوعاتی چون دخالت، تصویر سازی و

افشاگری، نگرش اشتباه به عروس یا به داماد، بزرگ کردن مسائل کوچک و کم اهمیت، حمایت اشتباه و عدم حمایت به موقع پدید بیاید. بستر ناآگاهی زوجین سبب می‌شود موضوعاتی چون عدم مهارت‌های جنسی و عدم مهارت‌های ارتباطی پدید بیاید. توضیح کامل این بسترها فراتر از موضوع این مقاله است.

فهرست منابع

کتابها

۱. آماتو، پل. (۱۳۸۰). *پیامدهای طلاق برای کودکان و بزرگسالان*. مهناز محمدیزادگان تهران: روابط بین‌المللی انجمن اولیا و مربیان.
۲. بهاری، سیف‌الله و ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۶). *آسیب‌شناسی خانواده*. تهران: نشر ندای آریانا.
۳. حشمت‌رامین. (۱۳۸۶). *میانی‌نگارش علمی*. تهران: انتشارات مرز فکر.
۴. ساروخانی، باقر. (۱۳۸۵). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: انتشارات سروش.
۵. فراهانی. (۱۳۸۴). *روشهای پیشرفته در علوم انسانی*. اصفهان: جهاد دانشگاهی.
۶. قائمی، علی. (۱۳۸۰). *خانواده و نقش بنیادین آن*. تهران: انتشارات سازمان سلامت و بهداشت خانواده.
۷. گلدنبرگ، ایرنه. (۱۳۸۲). *خانواده درمانی*. سیامک نقشبندی و حسینی شاهی برواتی، تهران: نشر روان.
۸. هالفورد، کیم. (۲۰۰۵). *زوج درمانی کوتاه مدت*. یاری به زوجین برای کمک به خود. مصطفی تبریزی و همکاران. (۱۳۸۴). تهران: انتشارات فرا روان.
۹. هیت لر، سوزان. (۲۰۰۹). *معجزه گفتگو*. ترجمه اکرم اکرمی (۱۳۸۸). تهران: انتشارات صابرین.

مقالات

۱۰. بلالی، اسماعیل، قدسی، علی محمد، عیسی زاده، سعید (۱۳۸۹). بررسی ارتباط بیکاری و طلاق در ایران طی دوره ۱۳۸۵ - ۱۳۴۵. *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۵۰، ۸-۲۸.
۱۱. بوالهروی، جعفر، نقی زاده، محمدمهدی، عابدی نیا، نسرین (۱۳۹۴). مقایسه عوامل زمینه ساز تقاضای طلاق بر حسب جنسیت در تهران سال ۱۳۸۵-۱۳۸۶. *مطالعات روانشناختی*، شماره ۴۲، ۱۴۱ - ۱۷۷.
۱۲. حاجیان، فاطمه (۱۳۹۳). فراتحلیل مطالعات خانواده در زمینه عوامل مقوم و عوامل فرساینده خانواده ایرانی. *پژوهش نامه زنان*، شماره اول، ۱-۳۹.
۱۳. حبیب پور، کرم، نازکتابار، حسین (۱۳۹۰). عوامل طلاق در استان مازندران. *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۵۳، ۸۷-۱۲۸.
۱۴. رضائی، نازی. (۱۳۹۰). مقایسه سرسختی بین زوج‌های متقاضی و غیر متقاضی طلاق. *علوم رفتاری*، شماره ۱۸، ۳۷۳-۳۷۸.
۱۵. روشنفکر، پیام، جواهری، جلوه، کلانتری، عبدالحسین (۱۳۹۰). مرور سه دهه تحقیقات علل طلاق در ایران. *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۵۳، ۱۲۹ - ۱۶۲.
۱۶. زاهدی اصل، محمد، حسینی، سید مجید (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان اختلاف خانوادگی در بوشهر، برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۹۱، ۱-۳۰.

۱۷. زرگر، فاطمه، نشاط دوست، حمید (۱۳۸۶). بررسی عوامل موثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان، خانواده پژوهی، شماره ۱۱، ۷۳۸-۷۴۹.
۱۸. صدیقی، غلامرضا، اصغر پور، احمد رضا (۱۳۸۸). عدم توافق ارزشی و تأثیر آن بر ناسازگاری زوجین در مشهد. *مطالعات اجتماعی ایران*، شماره ۷، ۶۴-۸۵.
۱۹. عنایت، حلیمه، نجفی اصل، عبدالله، زارع، صادق (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر طلاق زود هنگام در بین جوانان شهری شهر بوشهر، *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۱-۳۵.
۲۰. قلی زاده، آذر، اسماعیلیان، زهره (۱۳۹۳). نقش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر رضایت زناشویی دانشجویان متأهل، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، سال پانزدهم، شماره ۲، ۳۷-۴۶.
۲۱. هنریان، مسعود، یونسی، جلال (۱۳۹۰). بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران، *ماهنامه قضاوت*، شماره ۷، ۱۲ تا ۱۵.
۲۲. روستا، لهراسب، غیائی، پروین، معین، لادن (۱۳۸۹). بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده شیراز، *زن و جامعه*، سال اول، شماره ۳، ۷۷-۱۰۴.
۲۳. محسن زاده، فرشاد، عارفی، مختار، نظری، علی محمد (۱۳۹۰). مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)، *مجله مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۵۳، ۷-۴۲.
۲۴. تقی پور، فریدون، ابراهیم پور، داود، راد، فیروز (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی مرتبط با ناسازگاری زناشویی در بین زوج‌های مراجعه کننده به دادگاه خانواده مشکین شهر در سال ۱۳۹۱، *مطالعات جامعه‌شناسی*، شماره ۳۷، ۹-۵۲.
۲۵. باستانی، سوسن، گلزاری، محمود، روشنی، شهره (۱۳۸۹). طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، شماره ۳، ۱-۲۰.

پایان نامه

۲۶. ابراهیمی، سمیه (۱۳۹۳). طلاق عاطفی و عوامل مرتبط با آن در شهرستان نقده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.
۲۷. اسکافی، مریم (۱۳۹۳). اثر شبکه‌های اجتماعی در طلاق عاطفی (مورد مطالعه: شهر مشهد)، رساله دکترای تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۲۸. افشاری، زهرا (۱۳۹۱). مطالعه برخی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر گرایش به طلاق (مورد مطالعه زنان متأهل شهر زنجان)، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز.
۲۹. آبروی، مریم (۱۳۸۸). بررسی عوامل پیش‌بینی کننده ی طلاق در زوجین شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
۳۰. بادسار، علی (۱۳۹۵). بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی مرتبط با گرایش به طلاق: مورد مطالعه زنان متأهل ۴۵-۱۵ سال شهر دهدشت. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه یاسوج.
۳۱. بهرامی، سیاوش (۱۳۸۶). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان گرایش به طلاق در شهرستان کرمانشاه. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه مازندران.
۳۲. بیرامی، صمد (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با وقوع طلاق در شهر شاهین‌دژ در سال ۱۳۹۲. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.

۳۳. تیرگری، عبدالحکیم (۱۳۸۶). بررسی اثر بخشی هوش هیجانی بر روابط زناشویی. پایان نامه دکتری. انیستیتو روانپزشکی تهران.
۳۴. رحمت پور، پخشان. (۱۳۹۰). نگرش به طلاق در فضاهای همسرگزینی و تحلیل روند طلاق در ایران (مطالعه موردی شهر سنندج). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
۳۵. رضایی، زینب. (۱۳۹۳). عوامل اجتماعی مرتبط با طلاق در دوران عقد با تاکید بر تجربه زیسته زنان در شهر اراک. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا(س).
۳۶. قاسمی، هانیه. (۱۳۸۹). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر اقدام به طلاق در ۵ سال اول زندگی مشترک. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
۳۷. محمودی، ابراهیم. (۱۳۹۰). بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی موثر بر میزان گرایش به طلاق در شهر یاسوج. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه یاسوج.
۳۸. مختاری، نرگس. (۱۳۹۳). عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر طلاق زنان تحت پوشش سازمان بهزیستی شهرستان ری در سال ۱۳۹۱، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی رودهن.
۳۹. میراخواری، زهرا. (۱۳۹۲). بررسی علل اجتماعی گرایش زنان به طلاق در شهرستان گرمسار، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی گرمسار.
۴۰. هاشمی، رضا. (۱۳۷۶). بررسی انواع تعادل ساختار نظام خانواده و رابطه آن با کشمکش‌های زن و شوهر، پایان نامه کارشناسی ارشد. علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی، مشهد.
۴۱. خواجهبوی زاده راوری، زینب، اثربخشی زوج درمانی ساختاری مذهب محور بر انصراف از طلاق و سازگاری زناشویی، کارشناسی ارشد پایان نامه، ۱۳۹۴.
۴۲. در سال ۱۳۸۸ لیلا احمدیان از پایان نامه خود تحت عنوان «بررسی رابطه افسردگی و رضامندی زناشویی در بین زنان در آستانه طلاق شهرستان ارومیه» در دانشگاه علامه طباطبایی دفاع کرد.

سایت‌ها

۴۳. ابلاغ نامه سیاست‌های کلی خانواده، <http://farsi.khamenei.ir>
۴۴. سازمان ثبت احوال کشور به نشانی <http://www.sabteahval.ir>
45. Conger, C. (1994). Linking Economic hardship to material quality in stability. *Journal of marriage and the family* .646, 29.
46. Yang.j.& Hofferrth,S.(1998). Family adaptations to income and jop loss in the U.S. *journal of family and economic lssues*, vol. 19, no.3.
47. Amato Paul R, Beattie Brett. (2011). Does the unemployment rate affect the divorce rate? An Analysis of state data 1960- 2005, *Social Science Research*, 2011, doi: 1. 1016.

